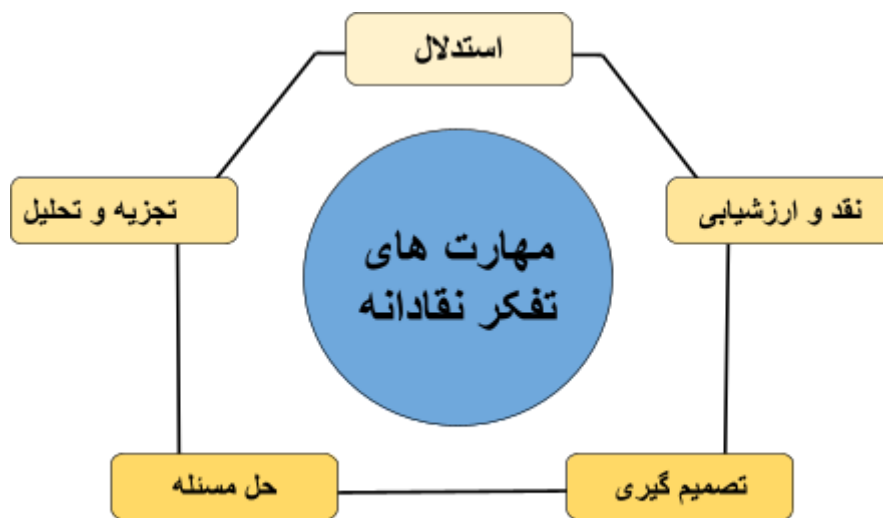


Reasoning 4

استدلال ۴

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.



مهارت های اصلی تفکر نقادانه

ادامه بحث جلسات گذشته در باره انواع استدلال:

دو نوع استدلال استقرایی داریم: استقرا تام و استقرا ناقص.

می خواهیم بررسی کنیم اعضای یک کلاس چهل نفره در چه وضعیتی از نظر تاهل هستند. خیلی راحت از همه آنها سوال می کنیم و درصد مجرد، متاهل و مطلقه را بدست می آوریم.

چه درصدی از دانش آموزان یک مدرسه درس ریاضی را دوست دارند. از تک تک آنها سوال می کنیم. اینجا نتیجه ای که بدست می آید یقینی است. اگر دروغ نگفته باشند.

در این روش نتیجه و حکمی که به دست می آید درباره همه اعضای آن صدق می کند.

وقتی امکان بررسی تمام نمونه ها نباشد مجبوریم یک نمونه را انتخاب کنیم و بر اساس آن بررسی خود را انجام دهیم. مثلا اگر بخواهیم بدانیم چند درصد مردم آمریکا رئیس جمهور فعلی این کشور را دوست دارند، عملا نمی توانیم از تک تک آنها سوال کنیم. لذا می آییم یک نمونه از این جمعیت را انتخاب می کنیم. دقت پژوهش بستگی به این دارد که نمونه انتخاب شده تا چه اندازه جمعیت کشور را نمایندگی می کند. مثلا اگر نمونه انتخاب شده بیشتر از مردان باشد می گوئیم این نمونه به درستی جمعیت را نمایندگی نمی کند. در استقرا ناقص نتیجه و حکمی که به دست می آید درباره همه اعضای آن صدق نمی کند.

تره، جعفری، ترخون و گشنیز از انواع سبزیجات هستند.

تره، جعفری، ترخون و گشنیز خوردنی هستند.

هر سبزی خوردنی است.

در اینجا نتیجه گیری نادرست است.

با مشاهده اینکه چند نفر که اهل شهری خاص بودند و کلاهبردار نمی توان در باره همه مردم آن شهر یک حکم کلی صادر کرد و گفت همه آنها کلاهبردار هستند.

روش علمی بر اساس استدلال استقرایی بنا نهاده شده است. بر اساس برخی مشاهدات و شواهد فرضیه یا نظریه ای داده می شود که این پدیده را توضیح می دهد. هر چقدر هم شواهد زیاد باشد، نمی توان به نتیجه بدست آمده یقین حاصل کرد. چون عملا نمی توانیم تمام شواهد را در اختیار داشته باشیم ممکن است شواهدی وجود داشته باشد که بعدا پیدا شود و فرضیه ما را بی اعتبار کند. هرچند در رسانه ها نتایج پژوهش های علمی به شکل مطلق و صددرصد درست معرفی می شوند ولی در نشریات تخصصی با زبانی کاملا محتاطانه در این باره صحبت می شود.

در استدلال از نوع قیاسی بحث دوگانه درست/نادرست مطرح نیست. درجه بندی وجود دارد. مثل اثر بخشی واکسن ها. حتی وقتی نتیجه گیری را درست میدانند آن را همراه با کلمه احتمالا بکار میبرند. میگویند این نتیجه گیری متقاعد کننده است.

استنتاج بر اساس بهترین تبیین (abduction)

نوع سوم استدلال در نیمه دوم قرن نوزدهم توسط چارلز سندرس پیرز (Charles Sanders Peirce) فیلسوف آمریکایی مورد توجه قرار گرفت. به این نوع استدلال، استنتاج بر اساس بهترین تبیین یا استدلال ربایشی (abductive reasoning) می گویند. در این نوع از استدلال، از میان تبیین های موجود برای یک پدیده، استدلالی که پیش فرض های قابل قبول تری دارد، پذیرفته میشود. جالب است که علیرغم اینکه بیشتر استدلالات ما از نوع سوم است، این نوع از استدلال به شکل متدولوژیک تا نیمه دوم قرن ۱۹ مورد توجه قرار نگرفته بود.

وقتی برای یک رخداد چند دلیل یا علت مطرح باشد، با بررسی این دلایل، دلیلی که توضیح قابل قبول تری را ارائه می کند و بهتر از بقیه پدیده یا رخداد مورد نظر را برای ما تبیین می کند و توضیح می دهد را انتخاب می کنیم.

تشخیص پزشکی یکی از مثال های بارز این نوع استدلال است. بر اساس معاینات و آزمایش ها بهترین و قابل قبول ترین فرضیه در تشخیص بیماری و درمان استفاده می شود.

در دادگاه نیز قضات با همین روش استدلال کرده و حکم صادر می کنند. از میان چند مظنون به قتل یا سرقت، شواهد و داده ها به دقت بررسی می شود و حمن صادر می شود.

در فلسفه نیز سعی می کنند با همین روش یعنی استنتاج بر اساس بهترین تبیین، دوگانگی یا ثنویت جسم و روح را اثبات کنند. صدق یک فرضیه را بر اساس بهترین تبیین قبول میکنند